

نویسنده: عباس آل زاین «Abbas Al Zein»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-03-11»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

بهای جنگ علیه ایران : افزایش هزینه‌های نظامی و مالی و اشنگتن

The price of war on Iran: Washington's mounting military and financial drain

با گسترش درگیری، عرصه تعیین‌کننده ممکن است از خود میدان نبرد به بار
عظیم اقتصادی و نظامی ناشی از ادامه یک جنگ طولانی علیه یک قدرت
منطقه‌ای آماده، تغییر کند

*As the conflict widens, the decisive arena may shift from the
battlefield itself to the immense economic and military burden of
sustaining a prolonged war against a prepared regional power.*



Photo Credit: The Cradle

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران یکی از خطرناک ترین تشدید تنش ها را در سال های اخیر در غرب آسیا به راه انداخته است. پایگاه های نظامی آمریکا که در سراسر منطقه خلیج فارس پراکنده شده اند، به طور فزاینده ای مورد حمله مستقیم موشکی و پهپادی قرار گرفته اند که نشان دهنده تغییر قابل توجهی در ماهیت جنگ منطقه ای است.

در حالی که پوشش اولیه بر تحولات میدان نبرد و سرعت بمباران هوایی متمرکز بود، هزینه های گسترده تر و مهم تر رویارویی - چه نظامی و چه اقتصادی - به تدریج در حال شکل گیری است.

در کنار حملات متقابل، نشانه های فزاینده ای از کاهش سریع سیستم های دفاع موشکی با ارزش بالا، استفاده گسترده از مهمات استراتژیک گران قیمت و افزایش فشار عملیاتی در میان نیروهای آمریکایی وجود دارد.

در عین حال، بازارهای جهانی و زنجیره های تأمین انرژی شروع به واکنش به این رویارویی رو به گسترش کرده اند. این پویایی های همپوشانی، سوالات اساسی در مورد توزیع خسارات در مرحله اولیه جنگ و در مورد مسیر بلندمدت تشدید تنش مطرح می کنند.

خسارات نظامی و هزینه های عملیاتی ایالات متحده

روزهای اول رویارویی با ایران با کمپین های نظامی قبلی ایالات متحده در منطقه تفاوت چشمگیری داشت. به جای عملیات از مواضع امن و رو به جلو که عمدتاً از اقدامات تلافی جویانه مصون بودند، استقرار منطقه ای و اشنگتن با تهدیدات موشکی و پهپادی مداوم مواجه شد. این تحول هم پیامدهای مادی و هم پیامدهای استراتژیک داشته است.

گزارش ها حاکی از آن است که در طول هفته اول خصومت ها، نیروهای آمریکایی ترکیبی از خسارات مستقیم و غیرمستقیم را تجربه کرده اند. این خسارات شامل مصرف سریع موشک های رهگیر پرهزینه، آسیب یا اختلال در تأسیسات راداری و حملات به تأسیسات نظامی بود که بر عناصر شبکه هشدار اولیه ایالات متحده تأثیر گذاشت.

بر اساس ارزیابی های امنیتی منطقه ای و برآوردهای رسانه های غربی، ارزش تجهیزات نظامی آسیب دیده ایالات متحده در مرحله اولیه رویارویی به میلیارد ها دلار رسیده است. بنا به گزارش ها، تأسیسات راداری استراتژیک، زیرساخت های دفاع موشکی و پایگاه های اصلی در سراسر خلیج فارس و اردن هدف حملات موشکی و پهپادی قرار گرفته اند.

از جمله حوادثی که توجه ویژه ای را به خود جلب کرد، گزارش هایی مبنی بر اصابت یا غیرفعال شدن یک رادار AN/TPY 2 متصل به سیستم دفاع موشکی THAAD در پایگاه هوایی موفق السلطی در اردن بود. این رادار با ارزش تخمینی حدود ۳۰۰ میلیون دلار،

جزء کلیدی شبکه هشدار اولیه ایالات متحده است که برای شناسایی و رهگیری تهدیدات موشک‌های بالستیک طراحی شده است. گزارش‌های بیشتر - از جمله ادعاهای مربوط به اسناد تصویری منتشر شده در رسانه‌های منطقه‌ای - حاکی از آن است که حملات ایران، سایت‌های راداری، تأسیسات ارتباطی و زیرساخت‌های نظامی ایالات متحده در قطر، امارات متحده عربی، بحرین، کویت و عربستان سعودی را هدف قرار داده است.

در حوزه هوایی، گزارش‌هایی نیز منتشر شد مبنی بر اینکه سه هواپیمای F-15E Strike Eagle در جریان آنچه که به عنوان یک حادثه آتش خودی در بحبوحه عملیات هوایی شدید منطقه‌ای توصیف شد، بر فراز کویت از دست رفتند. گزارش‌های جداگانه‌ای حاکی از تلفات پرسنل آمریکایی پس از حملات به پایگاه‌های کویت در روزهای اولیه جنگ بود.

فشار بر دفاع موشکی و فشارهای نخبه‌ها

یکی از واضح‌ترین نشانه‌های فشار نظامی، استفاده فزاینده از سیستم‌های دفاع هوایی استراتژیک، به ویژه سیستم دفاع منطقه‌ای ارتفاع بالا (THAAD) بوده است. تحلیلگران مرتبط با برنامه‌های دفاع موشکی ایالات متحده تخمین می‌زنند که یک موشک رهگیر THAAD بین 12 تا 15 میلیون دلار هزینه دارد.

در دوره‌های تبادل شدید موشک، ممکن است ده‌ها موشک رهگیر در یک بازه زمانی کوتاه پرتاب شوند. این می‌تواند به هزینه‌هایی بالغ بر صدها میلیون دلار در تنها چند روز تبدیل شود. خود سامانه تاد از جمله گران‌ترین سیستم‌های دفاع هوایی در جهان است که هزینه‌های تخمینی آن برای یک واحد استقرار از ۱/۵ میلیارد دلار تا ۲ میلیارد دلار متغیر است.

کاهش سریع موجودی موشک‌های رهگیر، یک چالش استراتژیک محسوب می‌شود. ظرفیت تولید همچنان محدود است و جدول زمانی تولید موشک‌های جدید می‌تواند چندین سال طول بکشد. بنابراین، درگیری‌های مداوم، خطر ایجاد شکاف در پوشش دفاعی را نه تنها در غرب آسیا، بلکه در سایر عرصه‌هایی که نیروهای آمریکایی تعهدات خود را حفظ می‌کنند، به همراه دارد.

وقتی کشورهای متحد درخواست تجهیزات رهگیر اضافی می‌کنند، وضعیت پیچیده‌تر می‌شود. طبق گزارش‌ها، دولت‌های خلیج فارس که به شدت به پشتیبانی دفاع هوایی ایالات متحده متکی هستند، نگرانی خود را در مورد کاهش نخبه‌ها ابراز کرده‌اند که منجر به بحث‌های فوری در مورد خرید و تعهدات مالی اضافی شده است.

گزارش آسوشیتدپرس همچنین به نقل از مقامات منطقه‌ای ابراز نگرانی کرد که ایالات متحده در حالی که کشورهای متحد با تهدیدات هوایی فزاینده‌ای روبرو هستند،

حفاظت از نیروهای خود و اسرائیل را در اولویت قرار داده است. تحلیل‌های امنیتی هشدار دادند که سرعت فعلی رهگیری موشک ممکن است ناپایدار باشد، زیرا نرخ تولید سیستم‌های رهگیر پیشرفته ایالات متحده برای مطابقت با مصرف در درگیری‌های همزمان، از جمله تعهدات مرتبط با اوکراین، با مشکل مواجه است.

آسیب‌پذیری رادار و چالش‌های هشدار زودهنگام

فراتر از استفاده از رهگیر، این رویارویی توجه را به آسیب‌پذیری سیستم‌های راداری که ستون فقرات معماری نظارت و هشدار زودهنگام ایالات متحده در منطقه را تشکیل می‌دهند، جلب کرده است.

. آسیب به تأسیسات هشدار زودهنگام می‌تواند زمان واکنش را کاهش داده و برنامه‌ریزی رهگیری را پیچیده کند. در نتیجه، گزارش‌های تأیید نشده حاکی از آن است که زمان هشدار زودهنگام اسرائیل از هشت دقیقه به چهار دقیقه کاهش یافته است.

در محیط‌های درگیری با شدت بالا، حتی کاهش محدود در پنجره‌های هشدار می‌تواند احتمال حملات موفقیت‌آمیز علیه اهداف استراتژیک را افزایش دهد. نیاز به تعمیر یا تعویض سیستم‌های آسیب‌دیده بیشتر به افزایش هزینه‌های عملیاتی کمک می‌کند.

نظر سنجی

آیا جنگ علیه ایران به یک فشار استراتژیک و مالی بر ایالات متحده تبدیل می‌شود؟

بله - درگیری طولانی مدت قدرت نظامی و اقتصادی ایالات متحده را تضعیف خواهد کرد. خیر - منابع و اتحادیه‌های ایالات متحده باعث تشدید طولانی مدت خواهد شد.

نتیجه به بازارهای نفت و ثبات اقتصادی جهانی بستگی دارد.

این امر موازنه قدرت منطقه‌ای را صرف نظر از اینکه چه کسی "برنده" شود، تغییر خواهد داد.

54 رأی، 5 روز و 14 ساعت باقی مانده است.

پایگاه‌ها و تأسیسات هدف قرار گرفته ایالات متحده

حملات به پایگاه‌های ایالات متحده در سراسر منطقه خلیج فارس، واقعیت‌های در حال تغییر وضعیت نظامی منطقه‌ای واشنگتن را برجسته کرده است. تأسیساتی که زمانی با امنیت نسبی فعالیت می‌کردند، اکنون با تهدید مداوم روبرو هستند.

تاسیسات در سراسر خلیج فارس، عملکردهای استراتژیک متمایز اما به هم پیوسته‌ای را انجام می‌دهند. در قطر، پایگاه هوایی العدید میزبان زیرساخت‌های فرماندهی حیاتی و قابلیت‌های هشدار اولیه دوربرد، از جمله سیستم‌های راداری مرتبط با برنامه‌های تشخیص موشک‌های بالستیک با ارزش صدها میلیون دلار است.

در امارات متحده عربی، سایت‌های دفاع موشکی تحت کنترل ایالات متحده مجهز به باتری‌های THAAD، لایه مرکزی در معماری دفاع هوایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند. در بحرین، تاسیسات ارتباطات ماهواره‌ای مرتبط با ناوگان پنجم ایالات متحده نقش اساسی در هماهنگی عملیات دریایی و حفظ ارتباطات نظامی ایمن ایفا می‌کنند.

در کویت، تاسیسات بزرگی مانند پایگاه هوایی علی السالم، کمپ عریفجان و کمپ بوهرینگ در کنار هم، ستون فقرات لجستیکی استقرار نیروهای آمریکایی را تشکیل می‌دهند و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در مجموع به میلیاردها دلار می‌رسد. بنابراین، هدف قرار دادن یا مختل کردن این سایت‌ها پیامدهای استراتژیکی دارد که فراتر از خسارات مادی فوری است.

حملات مکرر یا شرایط هشدار شدید همچنین باعث پراکندگی هواپیماها و تجهیزات می‌شود، چالش‌های نگهداری را افزایش می‌دهد و هماهنگی فرماندهی را پیچیده می‌کند. با گذشت زمان، این فشارها حتی در غیاب خسارات فاجعه‌بار، به فرسایش جمعی منجر می‌شوند.

هزینه مهمات استراتژیک و عملیات هوایی

فرسایش نظامی محدود به سیستم‌های دفاعی نبوده است. عملیات تهاجمی به شدت به سلاح‌های دقیق پرهزینه و هواپیماهای پیشرفته متکی بوده است.

تخمین زده می‌شود که موشک‌های کروز تاماهاوک که در مأموریت‌های تهاجمی دوربرد استفاده می‌شوند، هر کدام حدود 2 میلیون دلار هزینه داشته باشند. استقرار مکرر آنها در طول عملیات‌های پایدار می‌تواند بار مالی قابل توجهی ایجاد کند.

هزینه‌های عملیاتی هواپیما بسته به پیچیدگی فناوری متفاوت است. بمب‌افکن‌های رادارگریز مانند B 2 Spirit به دلیل نیازهای تعمیر و نگهداری دشوار و سیستم‌های پشتیبانی تخصصی، هزینه‌هایی بیش از ۱۳۰ هزار دلار در هر ساعت پرواز متحمل می‌شوند.

جنگنده‌های پیشرفته از جمله F 22 و F 35 هزینه‌های ساعتی ده‌ها هزار دلاری ایجاد می‌کنند، در حالی که پلتفرم‌هایی مانند F 15E، F 16 و A 10 نیز به منابع لجستیکی و سوخت قابل توجهی نیاز دارند.

هوایمهای پشتیبانی هزینه‌ها را بیشتر افزایش می‌دهند. مأموریت‌های سوخت‌گیری هوایی که توسط تانکرهای KC 135 انجام می‌شوند و عملیات حمل و نقل سنگین که توسط هوایمهای C 17 انجام می‌شوند، برای حفظ نرخ بالای سورتی در طول عملیات‌های طولانی مدت ضروری هستند.

هزینه‌های استقرار نیروی دریایی و گروه‌های ضربت

عملیات‌های دریایی بار مالی عمده دیگری را ایجاد میکنند. ناوهای هوایمهای ایالات متحده معمولاً به عنوان بخشی از گروه‌های ضربت نا و متشکل از ناوشکن‌ها، رزم ناوها، زیردریایی‌ها و کشتی‌های پشتیبانی لجستیکی مستقر می‌شوند.

برآوردهای مالی و کنگره ایالات متحده نشان می‌دهد که عملیات یک ناو هوایمهای می‌تواند در شرایط عادی بین 6 تا 8 میلیون دلار در روز هزینه داشته باشد. هنگامی که کل گروه ضربت در نظر گرفته شود، هزینه‌های عملیاتی روزانه در طول استقرارهای رزمی ممکن است به 10 تا 13 میلیون دلار افزایش یابد. از این رو، استقرارهای طولانی مدت که هفته‌ها یا ماه‌ها طول می‌کشد، به تعهدات بودجه‌ای قابل توجهی تبدیل می‌شود.

پیامدهای اقتصادی و نوسانات بازار

برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که این رویارویی به سرعت در حال تبدیل شدن به یک آزمون اقتصادی بزرگ برای واشنگتن است. تحلیلگران هشدار می‌دهند که اگر سرعت فعلی ادامه یابد، هزینه‌های روزانه می‌تواند به 1 میلیارد دلار برسد که توسط مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین می‌شود.

برخی از ارزیابی‌های رسانه‌های ایالات متحده نشان می‌دهد که عملیات نظامی در روزهای اول جنگ، هزینه‌هایی بالغ بر چندین میلیارد دلار ایجاد کرده است که ناشی از مصرف مهمات، استقرار نیروها و اقدامات تقویتی است. پنتاگون همچنین با فشار مالی فزاینده‌ای مرتبط با کاهش سریع ذخایر موشکی و مهمات مواجه است. طبق گزارش‌ها، میلیاردها دلار سلاح دقیق و موشک‌های استراتژیک در مراحل اولیه جنگ مورد استفاده قرار گرفته است که باعث بحث‌هایی در واشنگتن در مورد نیاز به بودجه اضافی کنگره برای حفظ عملیات و بازسازی ذخایر شده است.

فراتر از هزینه‌های مستقیم نظامی، تنش‌ها در خلیج فارس بر اقتصاد جهانی و بازارهای انرژی تأثیر گذاشته است. ترس از اختلال در جریان نفت از طریق تنگه هرمز به افزایش قیمت نفت خام کمک کرده است، در حالی که قیمت بنزین در ایالات متحده در دوره‌های کوتاه مدت در مراحل شدید تنش افزایش یافته است. هزینه‌های بالاتر انرژی بر حمل و نقل، تولید صنعتی و بازارهای مصرف گسترده‌تر فشار وارد کرده است.

بازارهای مالی نیز به شدت به عدم قطعیت ژئوپلیتیکی واکنش نشان داده‌اند. وال استریت در روزهای اول جنگ نوسانات قابل توجهی را تجربه کرد و شاخص‌های اصلی در بحبوحه نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در مورد افزایش قیمت نفت و افزایش خطرات درگیری، کاهش یافتند. تخمین زده می‌شود که فروش گسترده بازار در این دوره نزدیک به ۱ تریلیون دلار از ارزش بازار شرکت‌های آمریکایی را از بین برده است. داده‌های ذکر شده در گزارش‌های مالی نشان می‌دهد که ده‌ها میلیارد دلار در عرض یک هفته از صندوق‌های سهام ایالات متحده خارج شده است، زیرا سرمایه‌گذاران به سمت دارایی‌های امن مانند طلا و اوراق قرضه دولتی روی آورده‌اند. این الگو نشان دهنده افزایش ریسک‌گریزی در مواقع بحران ژئوپلیتیکی است، به ویژه هنگامی که با شوک‌های قیمت انرژی همراه باشد که سودآوری شرکت‌ها و رشد اقتصادی را تهدید می‌کند.

مؤسسات مالی هشدار داده‌اند که درگیری طولانی مدت می‌تواند نوسانات گسترده‌تری را در بازارهای ایالات متحده ایجاد کند. افزایش مداوم قیمت نفت مرتبط با اختلالات عرضه در خلیج فارس می‌تواند فشارهای تورمی را افزایش دهد، بر تصمیمات سیاست فدرال رزرو تأثیر بگذارد و بر بخش‌هایی مانند خطوط هوایی، حمل و نقل و تولید تأثیر بگذارد.

آزمون پرهزینه استقامت

روی هم رفته، این شاخص‌های نظامی و اقتصادی نشان می‌دهند که رویارویی با ایران ممکن است به یک جنگ فرسایشی طولانی مدت تبدیل شود. هدف قرار دادن سیستم‌های راداری پرهزینه، دفاع موشکی و پایگاه‌های اصلی، فشار مالی و استراتژیک مرتبط با تشدید مداوم تنش را برجسته کرده است.

برای واکنش‌گتن، این چالش فراتر از نتایج میدان نبرد است. این شامل حفظ ظرفیت صنعتی، منابع مالی و حمایت سیاسی در طول زمان است. در درگیری مدرن، استقامت - چه اقتصادی و چه نظامی - به طور فزاینده‌ای مسیر و نتیجه بالقوه جنگ را شکل می‌دهد.

----- **با تقدیم احترامات «15-03-2026»**

.....

